

به نام خدا

مشعل هدایت

در مکتب امام علی النقی (علیه السلام)

مؤلف:

علی قائمی

سرشناسه :	قائمی، علی، ۱۳۱۶.
عنوان و نام پدیدآور :	در مکتب مشعل هدایت: امام علی النقی نویسنده علی قائمی.
مشخصات نشر :	تهران، نشر نیماژ، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری :	۳۷۵ ص.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۶۸۰۱-۷۵-۹
وضعیت فهرست نویسی :	قیفا
موضوع :	علی بن محمد (ع)، امام دهم
موضوع :	سرگذشتنامه
رده بندی کنگره :	BP۴۹/ق۳۰۴ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی :	۲۹۷/۹۵۸۳
شماره کتابشناسی ملی :	۲۵۱۷۹۵۹

مشعل هدایت

در مکتب امام علی النقی (علیه السلام)

مؤلف: علی قائمی

نیماژ ۱۳۹۲

نشر نیماژ

مریم اسدی

مسئول پیلوار

رقعی

ترنج رایانه

کهنمویی راده

۹۷۸-۶۰۰-۶۸۰۱-۷۵-۹

ISBN

چاپ اول

ویرایش تولید

ناظر چاپ

طراح جلد

قطع

لیتوگرافی

چاپ صحافی

شابک

978-600-6801-75-9

۵۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است

مراکز پخش و فروش

فروشگاه شماره ۱: خ جمهوری اسلامی، روبروی خیابان باغ سپه سالار: شماره ۲۳۰

تلفن ۲۲۹۳۰۳۹۰ تلفکس ۲۳۱۱۶۰۲۳

فروشگاه شماره ۲: خ دکتر شریعتی نرسیده به خیابان دولت روبروی مسجد جامع قلعهک پلاک ۱۴۸۵

تلفن ۲۲۶۰۲۵۵۵

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خ شهدای ژاندارمری غربی، شماره ۸۸

تلفن ۶۶۴۱۰۸۱۴ فکس ۶۶۴۸۵۱۱۲

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
۱۵	انگیزه‌های تدوین
۱۶	در ضرورت آن
۱۷	فواید و اهمیت آن
۱۸	داستان زندگیشان
۱۹	پیشینه آن کار
۲۰	شیوه کار
۲۱	دشواری کار
۲۲	آرزوها و امیدها
۲۳	بخش اول - خاندان و تبار
۲۴	فصل ۱: اجداد برانقدرش
۲۴	مقدمه
۲۵	اجداد او
۲۶	شجره‌ی خاندان او
۲۷	در تاریخ اسلام
۲۸	از نسل امیرالمؤمنین (ع)
۲۹	فصل ۲- باب گرانمایه‌اش
۲۹	مقدمه
۳۰	تداوم خط امامت
۳۱	پدرش جوادالائمه
۳۲	فضل امام جواد(ع)
۳۳	شئون امام جواد(ع)
۳۴	فصل ۳ - مادر ارجمندش
۳۵	معرفی او
۳۶	رشد و پرورش او
۳۷	شان و مقام او
۳۸	بخش ۲- ولادت و مراسم
۳۹	فصل ۴- ولادت امام
۳۹	مقدمه
۴۰	محل ولادت او
۴۰	زمان ولادتش
۴۲	ذکر یک نکته
۴۳	فصل ۵- مراسم، نام و القاب
۴۳	مقدمه
۴۳	اجرای مراسم
۴۴	نامگذاری
۴۵	القاب او
۴۶	کنیه او
۴۷	فصل ششم
۴۷	مقدمه
۴۸	وضع ظاهری امام

۴۹	نقش انگشتی او
۵۰	بخش سوم - دوران زندگی او
۵۱	فصل ۷ - کودکی و امامت
۵۱	مقدمه
۵۲	دوران کودکی او
۵۳	شهادت پدر
۵۴	امامت او
۵۶	صفات امامت
۵۷	آزمایش‌ها از امام
۵۷	معلم برای او
۵۹	فصل ۸ - دوران نوجوانی و جوانی
۵۹	مقدمه
۶۰	گذران مراحل حیات
۶۰	گذران نوجوانی و جوانی
۶۱	مقاومت او
۶۲	شرایط حیاتی او
۶۳	روشنگری‌ها
۶۴	فصل ۹ - میانسالی و شهادت
۶۴	مقدمه
۶۵	رمز اعمال فشارها
۶۶	زندگی در عصر متوکل
۶۷	دوره‌های بعدی
۶۸	شهادت او
۶۹	بخش چهارم - زندگی امام و معاصران او
۷۰	فصل ۱۰ - زمامداران زمان
۷۰	مقدمه
۷۱	۱- عصر مأمون
۷۲	۲- عصر معتصم
۷۳	۳- دوران واثق
۷۵	۵- منتصر
۷۶	۶- مستعین
۷۷	۷- معتز
۷۹	فصل ۱۱ - زندگی در مدینه
۷۹	مقدمه
۸۰	زندگی او
۸۱	کار و کسب او
۸۱	درس و بحث او
۸۲	تنظیم روابط
۸۳	رسیدگی‌ها
۸۴	در رابطه با دستگاه زمامدار
۸۵	وجهه امام

۸۶	فصل ۱۲- تبعید به سامرا
۸۶	مقدمه
۸۶	زاماداران و مدینه
۸۷	اساس توطئه تبعید
۸۸	دعوت متوکل از امام
۸۹	اعزام مأمور برای آوردن امام
۹۰	موضع مردم مدینه
۹۱	به سوی سامرا
۹۱	ورود به سامرا
۹۲	محل سکونت
۹۳	فصل ۱۳- شرایط زندگی
۹۳	مقدمه
۹۴	زندگی پر رنج
۹۵	زندگی تحت نظر
۹۶	تفتیش ها
۹۷	تبلیغ و رقیب تراشی
۹۸	شرایط روانی امام
۹۹	زندگی و مرگ
۱۰۰	بخش ۵- خوی و کرامت امام
۱۰۱	فصل ۱۴- زهد و تقوای امام
۱۰۱	مقدمه
۱۰۲	الگو بودن امام هادی(ع)
۱۰۳	زندگی او
۱۰۴	در جنبه تقوا
۱۰۵	وصف دشمن از او
۱۰۶	در گذر زندگی
۱۰۷	فصل ۱۵- اخلاق امام
۱۰۷	مقدمه
۱۰۸	وصف اخلاقش
۱۰۸	در حضورها
۱۰۹	در برخوردها و روابط
۱۱۰	در گزارش به متوکل
۱۱۱	گذشت امام
۱۱۲	گواهی از دشمن
۱۱۳	فصل ۱۶- کرامت امام
۱۱۳	مقدمه
۱۱۴	کرامات امام هادی(ع)
۱۱۵	پیوند با خدا
۱۱۶	نوع کرامات
۱۱۶	۱- تصرف در کون
۱۱۷	۲- بیان غیب
۱۱۸	۳- در برابر شعبده باز

۱۱۹.....	اثر گذاری.....
۱۲۰.....	فصل ۱۷- هیبت امام.....
۱۲۰.....	مقدمه.....
۱۲۱.....	انقلابی بزرگ.....
۱۲۲.....	در مراسم استقبال.....
۱۲۲.....	در معابر و خیابانها.....
۱۲۳.....	در کاخ متوکل.....
۱۲۴.....	متوکل و اندیشه قتل.....
۱۲۵.....	هیبت منصوی.....
۱۲۶.....	در برابر امام.....
۱۲۷.....	بخش علم و آگاهی امام.....
۱۲۸.....	فصل ۱۸- وسعت علم.....
۱۲۸.....	مقدمه.....
۱۲۹.....	دانش امام هادی(ع).....
۱۲۹.....	معلم برای او.....
۱۳۰.....	گفتگوهای علمی.....
۱۳۲.....	اظهار نظرها درباره او.....
۱۳۳.....	فصل ۱۹- در احکام فقهی.....
۱۳۳.....	مقدمه.....
۱۳۴.....	مبین احکام.....
۱۳۵.....	مراجعات فقهی.....
۱۳۶.....	نیاز دستگاه به او.....
۱۳۶.....	مراجعات متوکل.....
۱۳۷.....	فتواء درباره یک مسیحی آلوده.....
۱۳۸.....	مسئول یحیی بن اکثم.....
۱۳۹.....	اظهار نظر درباره فقه او.....
۱۴۰.....	فصل ۲۰- در آگاهی به اسرار.....
۱۴۰.....	مقدمه.....
۱۴۱.....	خواندن اندیشه.....
۱۴۲.....	اخبار از شرایط مجهول.....
۱۴۲.....	خیر از آینده.....
۱۴۴.....	تعبیر رویا.....
۱۴۵.....	فصل ۲۱- در بحثها و مناظرهها.....
۱۴۵.....	مقدمه.....
۱۴۵.....	بحثهای اعتقادی.....
۱۴۶.....	کوششهای ضد.....
۱۴۸.....	پرسش از مباحث مهم.....
۱۴۹.....	بازیگران عصر.....
۱۵۰.....	بخش ۷- در حال و عبادت او.....
۱۵۱.....	فصل ۲۲- عبادت و معنویت او.....
۱۵۱.....	مقدمه.....

۱۵۲	شب‌زنده‌داری و مناجات
۱۵۴	نماز و نوافل
۱۵۴	محل عبادت
۱۵۵	لباس عبادت
۱۵۶	فصل ۲۳- صبر و تحمل او
۱۵۶	مقدمه
۱۵۷	دامنه صبر امام هادی(ع)
۱۵۷	۱- صبر در برابر مشکلات زندگی
۱۵۹	۲- صبر در عبادت
۱۵۹	۳- صبر در برابر چهل ها
۱۶۰	۴- صبر در برابر ایذاء
۱۶۰	اساس صبر و تحمل او
۱۶۲	فصل ۲۴- دعا و نفرینش
۱۶۲	مقدمه
۱۶۲	حال دعا
۱۶۳	نوع دعاها و او
۱۶۳	۱- دعای شب او
۱۶۴	۲- دعای قنوت او
۱۶۶	۴- رفع شبهات
۱۶۶	۵- آموزش راه مناجات
۱۶۷	۶- دعای حرز
۱۶۷	دعا برای رفع نیازها
۱۶۸	نفرین‌های او
۱۶۹	شرط اجابت
۱۷۰	بخش ۸- گروه‌ها و شرایط اجتماعی او
۱۷۱	فصل ۲۵- وضع اجتماعی
۱۷۱	مقدمه
۱۷۲	ناهمگونی جمعیت
۱۷۲	نابسامانی‌های اخلاقی
۱۷۳	اسارت هوی
۱۷۴	اختلاف‌ها
۱۷۵	تمطیل حدود و احکام
۱۷۶	دور داشتن از امام
۱۷۷	فصل ۲۶- گروه علویون
۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	خط علویون
۱۷۹	موضع دستگاه
۱۸۰	۱- فقیرداری آنان
۱۸۰	۲- بدرفتاری
۱۸۰	۳- اتهام و قتل
۱۸۱	۴- دل‌آزاری‌ها
۱۸۲	موضع امام

فصل ۲۷ - گروه شیعیان	۱۸۳
مقدمه	۱۸۳
وضع شیعیان	۱۸۴
پراکندگی و اختلاف	۱۸۴
دستگاه در برابر آنان	۱۸۵
موضع امام	۱۸۶
گریز از تبعید	۱۸۷
فصل ۲۸ - گروهها و امام	۱۸۸
مقدمه	۱۸۸
سرخوردگی‌ها از دستگاه	۱۸۸
تصورشان از امام	۱۸۹
هواداری از امام	۱۹۰
حضور و دیدار امام	۱۹۱
موضع دستگاه	۱۹۲
بخش ۹ - جو اقتصادی زمان او	۱۹۴
فصل ۲۹ - زندگی طبقاتی	۱۹۵
مقدمه	۱۹۵
پایه‌گذاری‌های غلط	۱۹۶
زامداران و جمع مال	۱۹۶
اختلاس و رشوه	۱۹۷
طبقه اشراف	۱۹۸
خوی تفرعن	۱۹۹
فصل ۳۰ - مالیات و مصادرها	۲۰۱
مقدمه	۲۰۱
زامداری و خلیفه	۲۰۲
ضرایب مالیاتی	۲۰۲
مصادرها	۲۰۳
وضع قاضی القضاة	۲۰۴
شرایط سخت	۲۰۵
فصل ۳۱ - عیاشی‌ها و اسراف‌ها	۲۰۶
مقدمه	۲۰۶
فساد دستگاه	۲۰۶
بساط آلوده‌شان	۲۰۸
اسرافکاری‌ها	۲۰۹
فرمانروایی‌ها بر مردم	۲۰۹
روگردانی از دین	۲۱۰
فصل ۳۲ - فقر مردم	۲۱۲
فقر علویون و شیعیان	۲۱۴
خست زامداران	۲۱۵
گزارشی از یک شاعر	۲۱۵
موضع امام	۲۱۶

۲۱۷	بخش ۱۰- وضع اعتقادی مردم
۲۱۸	فصل ۳۳- فرق و مذاهب
۲۱۸	مقدمه
۲۱۹	فرق فعال
۲۱۹	۱- فرقه غلات
۲۲۰	فرق مذهبی زمان
۲۲۱	خطرات آنها برای دین
۲۲۱	موضع امام
۲۲۲	۲- ناصی‌ها
۲۲۳	۳- صوفیه
۲۲۳	۴- فرق دیگر
۲۲۴	فصل ۳۴- بحث های سرگرم کننده
۲۲۴	مقدمه
۲۲۵	زمامداران و سرگرم سازها
۲۲۶	انحراف افکار
۲۲۶	مسأله خلق قرآن
۲۲۸	موضع امام
۲۲۸	تصفیه ای عمومی
۲۳۰	فصل ۳۵- وضع دینی مردم
۲۳۰	مقدمه
۲۳۰	سیاست ضد دینی
۲۳۱	ضعف آگاهی ها
۲۳۲	هرج و مرج دینی
۲۳۳	مشکل عمده دینی
۲۳۴	فاصله از اسلام
۲۳۵	فصل ۳۶- خدماتی دینی امام
۲۳۵	مقدمه
۲۳۶	تلاشهای امام
۲۳۶	۱- در عرصه توحید
۲۳۷	۲- در تشبیه و تزیه
۲۳۸	۳- در جبر و اختیار
۲۳۸	۴- در مورد عبادات
۲۴۰	خطوط کلی خدمات او
۲۴۱	بخش ۱۱- امام و مردم
۲۴۲	فصل ۳۷- ارشادات او
۲۴۲	مقدمه
۲۴۲	تبیین آیات قرآن
۲۴۳	در پند گوئی
۲۴۵	در دعوت به زندگی
۲۴۶	در پرهیزدهی ها
۲۴۶	ارتباطات او
۲۴۷	مشکل امام و رهیابی مردم

۲۴۸	فصل ۳۸- حمایتها و عنایتها
۲۴۸	مقدمه
۲۴۹	وصف اعمال او
۲۵۰	در کمکرسانی‌ها
۲۵۰	بخشش‌های او
۲۵۲	در گه‌گشایی برای متوکل
۲۵۳	عنایات به شیعیان
۲۵۴	فصل ۳۹- مشکل‌گشایی‌ها
۲۵۴	مقدمه
۲۵۵	دائمه مشکل‌گشایی‌ها
۲۵۵	۱- در حل مسائل اعتقادی
۲۵۶	۲- در رفع مشکل امنیتی
۲۵۶	۳- دفاع از بوطالب
۲۵۷	۴- واسطگی
۲۵۷	۵- روحیه‌دهی‌ها
۲۵۸	۶- درمان بیماران
۲۵۹	۷- کشف دعاوی غلط
۲۵۹	۸- مشکل‌گشایی‌های دیگر
۲۶۰	بخش ۱۲- شرایط فرهنگی زمان او
۲۶۱	فصل ۴۰- اندیشه‌های التقاطی
۲۶۱	مقدمه
۲۶۱	فتوحات و تلاقی فرهنگ‌ها
۲۶۲	۱- در جنبه مثبت
۲۶۳	۲- در جنبه منفی
۲۶۳	فرهنگ التقاطی
۲۶۴	احیای سنن جاهلی
۲۶۵	موضع امام
۲۶۶	فصل ۴۱- فرهنگ شاعران
۲۶۶	مقدمه
۲۶۷	شعر و شاعری
۲۶۷	بنی عباس و شاعران
۲۶۸	مدح‌های بی‌حساب
۲۶۹	هجوه‌های بی‌حساب
۲۷۰	کفریات
۲۷۱	امام و شاعران
۲۷۲	فصل ۴۲- وضع علم و عالمان
۲۷۲	مقدمه
۲۷۲	دانش‌پژوهی
۲۷۳	علمای درباری
۲۷۴	تلاش امام
۲۷۴	۱- علم آموزی‌ها

۲۷۵	۲- تدوین حدیث
۲۷۵	۳- تدوین زیارتنامه
۲۷۶	۴- دیگر کوشش‌ها
۲۷۷	موضع او در برابر عالمان
۲۷۸	بخش ۱۳- شرایط و جو سیاسی
۲۷۹	فصل ۴۳- ضعف دستگاه زمامدار
۲۷۹	مقدمه
۲۸۰	نفوذ ترکان
۲۸۰	در عصر متوکل
۲۸۱	عزل و نصب‌ها
۲۸۲	تصویری از دستگاه
۲۸۳	قتل مسنون
۲۸۴	جنگ‌های داخلی
۲۸۵	فصل ۴۴- فشار و اختناق
۲۸۵	مقدمه
۲۸۵	عقده‌داری آنان
۲۸۶	کنترل رابطه امام و مردم
۲۸۷	زندان و تنور آنها
۲۸۸	آل علی در عصر متوکل
۲۸۹	تعصب انتقادناپذیری
۲۹۰	فصل ۴۵- فساد و آلودگی دستگاه
۲۹۰	مقدمه
۲۹۱	بزم شبانه
۲۹۱	فساد و شهوترانی آنان
۲۹۲	اسراف‌کاری آنان
۲۹۴	فتنه‌های ناشی از فساد
۲۹۵	فصل ۴۶- قیام‌ها و نهضت‌ها
۲۹۵	مقدمه
۲۹۵	داعیان عدالت
۲۹۶	انواع قیام‌ها
۲۹۷	۱- از علویون و شیعیان
۲۹۸	وضعیت و فرجام
۲۹۹	۲- از دیگران
۳۰۰	وحشی‌گری دستگاه
۳۰۱	بخش ۱۴- امام و سیاست
۳۰۲	فصل ۴۷- موضع منفی امام
۳۰۲	مقدمه
۳۰۳	عدم تأیید دستگاه
۳۰۳	رازداری در سیاست
۳۰۴	موضع در برابر دستگاه
۳۰۵	شرکت در مجالس
۳۰۶	عدم قیام او

۳۰۷.....	اجتناب از شر.....
۳۰۸.....	فصل ۴۸- انتقاد ولی عدم تحریک.....
۳۰۸.....	مقدمه.....
۳۰۹.....	قاطعیّت امام.....
۳۰۹.....	دفاع‌ها.....
۳۱۰.....	در اظهارنظرها.....
۳۱۲.....	در معارض با زبانی‌ها.....
۳۱۳.....	فصل ۴۹- مبارزات و تقویت مبارزان.....
۳۱۳.....	مقدمه.....
۳۱۴.....	و حسّت دستگاه از او.....
۳۱۴.....	ایستادگی‌های امام.....
۳۱۵.....	حمایت‌ها از مبارزان.....
۳۱۶.....	روحیه‌دهی‌ها.....
۳۱۷.....	حرکات حمایت‌گراانه.....
۳۱۸.....	بخش ۱۵- مسأله موکل.....
۳۱۹.....	فصل ۵۰- دشمنی با آل علی(ع).....
۳۱۹.....	مقدمه.....
۳۲۰.....	دامنه دشمنی.....
۳۲۰.....	در رابطه با پیروان علی(ع).....
۳۲۱.....	برخورد او با ابن سکیت.....
۳۲۱.....	جسارت به قبر حسین(ع).....
۳۲۲.....	با ج‌خواهی از زائران.....
۳۲۲.....	امام در برابر این شرایط.....
۳۲۵.....	فصل ۵۱- عیاشی و اسرافکاری متوکل.....
۳۲۵.....	مقدمه.....
۳۲۶.....	قصر سازی‌ها.....
۳۲۷.....	حیات آلوده.....
۳۲۷.....	عیاشی و سفره‌گذاری.....
۳۲۸.....	بخشش‌ها.....
۳۲۹.....	هجو نامه‌ها و شعارها.....
۳۳۰.....	فصل ۵۲- دشمنی با امام هادی(ع).....
۳۳۰.....	مقدمه.....
۳۳۱.....	موضع در برابر امام.....
۳۳۱.....	احضار به سامرا.....
۳۳۲.....	خراب کردن وجهه امام.....
۳۳۳.....	احضارها و تفتیش‌ها.....
۳۳۴.....	شعر و شراب.....
۳۳۵.....	تفرین امام.....
۳۳۶.....	قتل او.....
۳۳۷.....	بخش ۱۶- توطئه قتل امام.....
۳۳۸.....	فصل ۵۳- سعایت‌ها و احضارها.....

۲۳۸		مقدمه
۲۳۹		سعایت‌ها
۲۴۰		تکذیب‌ها
۲۴۰		سخت‌گیری‌ها و اعمال فشارها
۲۴۱		حبس و زجرها
۲۴۲		شعله قهر امام
۲۴۳		فصل ۵۴ - شهادت امام
۲۴۳		مقدمه
۲۴۳		متوکل و امام
۲۴۵		قاتل او
۲۴۶		تاریخ شهادت
۲۴۷		فصل ۵۵ - تشییع و مرار
۲۴۷		مقدمه
۲۴۸		غسل و نماز
۲۴۸		عزای عمومی
۲۴۹		برنامه تشییع
۲۵۱		بخش ۱۷ - بازماندگان و آثار
۲۵۲		فصل ۵۶ - خانواده و فرزندان
۲۵۲		مقدمه
۲۵۲		همسر او
۲۵۳		فرزندان او
۲۵۵		فصل ۵۷ - صحابه و شاگردان
۲۵۵		مقدمه
۲۵۵		صحابه او
۲۵۶		و کلاهی امام
۲۵۷		حضرت عبدالعظیم
۲۵۷		یاران معروف امام
۲۵۸		دیگر صحابه و یاران
۲۵۹		تذکری دردناک
۲۶۰		فصل ۵۸ - آثار اسلامی صحابه امام
۲۶۰		مقدمه
۲۶۰		عصر امام و دولت او
۲۶۱		تربیت مؤلفان
۲۶۲		۱ - فضل بن شاذان
۲۶۲		۲ - علی بن حسن فضال
۲۶۲		۳ - علی بن مهریار اهوازی
۲۶۳		۴ - حسین بن سعید
۲۶۳		۵ - احمد بن محمد
۲۶۳		۶ - احمد بن اسحاق
۲۶۳		۷ - محمد بن عیسی
۲۶۴		۸ - معاویه بن حکیم
۲۶۴		۹ - یعقوب بن یزید

۳۶۴	۱۰- دیگران
۳۶۴	تأیید کتب
۳۶۵	شاعران و مداحان
۳۶۶	فصل ۵۹- سخنان و آثار امام
۳۶۶	مقدمه
۳۶۷	نامه‌ها و رساله‌ها
۳۶۷	اخبارها و اصلاح اندیشه‌ها
۳۶۸	سخنان او
۳۶۹	۱- در اخلاق
۳۶۹	۲- در سیاست
۳۶۹	۳- در پندار و هشدار
۳۷۱	فصل ۶۰- ما و امام هادی(ع)
۳۷۱	مقدمه
۳۷۱	اما به غیر از نام
۳۷۲	تأسف ما
۳۷۴	آثار درباره‌ی آنان
۳۷۴	گلایه‌های خیرخواهان

پیشگفتار

سخن از مشعل‌داری بزرگ، از سلاله‌ی پاکان و نیکان، الگوی منزّه کمال و ایمانیت، شکوفه پر عطر و بوی گلستان نبوت و امامت حضرت امام علی (ع) است. هم او که در عصر پر از فشار و خفقان بنی‌عباس، از دوران کودکی خود، به انجام وظیفه و تعهد سگان‌داری کشتی اسلام پرداخته و در میان امواج متلاطم دریای بنی‌عباس آن را سالم‌اً به مقصد رسانید از امام هادی و متعهد، واعظ و پندگوی معصوم امت، و از خط زندگی و مکتب او سخن می‌گوییم و سعی داریم از خرمن فضل و حیاتش خوشه‌هایی بچینیم.

انگیزه‌های تدوین

انگیزه‌ی ما در این اقدام، تکمیل و عرضه‌ی مجموعه‌ای است که تحت عنوان مکتب امامان و خلفای راستین رسول اکرم (ص)، تهیه و تدوین شده و ادای دین و به انجام رساندن تعهدی است که ما با خدای خویش داشته‌ایم.

ما از خدای بزرگ این خواسته و آرزو را در سر پرورانده بودیم که توفیق‌مان دهد تا به زبانی ساده و درخور فهم عامه جنبه‌هایی از زندگی و شخصیت پیشوایان‌مان را، به صورتی نسبتاً جامع و درس‌آموز، و در چهره‌ی مکتبی زندگی‌ساز، تهیه و دست‌های امت را به دامن اهل بیت پیامبر (ع) وصل کنیم، باشد که در سایه‌ی بهره‌مندی آنان از این خط و مکتب، ما را نیز اجری حاصل گردد. و این تلاش جدید به واقع گامی در تحقق آن آرزوست.

بیان مکتب امامان در واقع تعبیری از کیفیت اتخاذ مواضع و جنبه‌های مربوط به مشی و حرکات مختلف آنان در شرایط گوناگون سیاسی - اجتماعی آنهاست. اطلاع ژرف و عمیق آنان از شرایط و امور و حقایق

عالم هستی آنان را وامی داشت تا با مسائل و جریانات عصر و زمان خود برخوردی واقع‌بینانه، ولی هدفمند داشته باشند و در طریق گام‌برداری به سوی رشد و توسعه‌ی آیین مقدس اسلام متعهدانه و اندیشمندانه حرکت نمایند.

انگیزه و مقصد ما در این بررسی به‌دست آوردن و عرضه‌ی گورهای از اعماق فضایل آنان، و درس‌آموزی از مواضع عبرت‌آموز آن پاکان است و البته این اقدام برخاسته از اندیشه‌ی رسول‌الله (ص) و توصیه‌های آن پیامبر گرانقدر است که از ما خواسته‌اند، در رابطه با اهل بیت بی‌تفاوت نباشیم.

در ضرورت آن

ضرورتی که برای این بحث و بررسی مطرح است، همان ضرورت اعتقادی است. ما مسلمانیم و در برابر حوادث و جریانات، و اصولاً در گذران زندگی، ما را نیاز به خط‌داری و موضع‌داری است. اما این‌که در چنان موارد چگونه اتخاذ موضع کنیم، مسأله‌ای است که دین و اولیای امور مذهب را در آن توصیه‌هاست.

از ما خواسته که رسول خدا (ص) را شاهد و اسوه‌ی خود دانسته و طبعاً پس از وفات او امامان بر حق و اوصیای او را الگوی عمل خویش قرار دهیم، به ویژه که این امر مورد سفارش پیامبر است. او برای پس از مرگش مردم را به دو چیز سفارش کرد: قرآن که کلام خداست، و عترت که مبین آن است.

آری، ائمه‌ی ما حماسه‌ی زندگی و جاودانگی را به بهترین وجه سرودند و خط و اندیشه اسلام را به بهترین وجه، مورد رعایت و اجرا قرار دادند. و نیز اینان مصداق کاملی از خلیفه‌الله در روی زمین و جلوه‌ی کامل عشق و فداکاری و ایثار و اخلاص در راه پروردگار بودند.

محبت آنان و پیروی از خط و راهشان ضرورت ایمان و باور ماست و این بدون داشتن یک معرفت راستین و عمیق میسر نیست. و بدین گونه است که ضرورت ایجاب می‌کند، برای شناخته هر چه بیشتر آنان، و خط و شخصیت آنها تلاشی و اقدامی نماییم.

زندگی حضرات معصومین(ع)، الهام گرفته از خطی است که خداوند آن را برای بشر ترسیم کرده است و برای یک پیرو مکتب لازم است، آن خط را بشناسد و زندگی خود را براساس آن قرار دهد و امام عادی(ع) از آن معصومانی است که تعقیب خطشان مورد سفارش اسلام است و ضرورت شناخت در رابطه با او بیشتر است، به ویژه از آن بابت که او در نظر شیعیان و در بین آنها، دچار غربتی سخت و جان‌گراست.

فواید و اهمیت آن

در فواید و اهمیت این مباحث نکاتی درخور اعتناست که برخی از آنها عبارتند از:

« آگاهی به راه و رسم زندگی و حیات این بزرگوار که برای ما اسوه و الگوست.

« فراهم‌سازی زمینه برای انطباق خط و زندگی خود با شیوه‌ها و مواضع او.

« اطلاع از شیوه‌ی مبارزاتی او، علیه دستگاه مسلم در آن جو خفقان که برای شیعیان گاه درسی است.

« آگاهی از علل عدم حرکت مسلحانه‌ی او علیه دستگاه، در آن شرایط که گاهی شبهه‌آفرین است.

« درس‌آموزی از تلاش‌های سازنده‌ی او در چهره‌ی مبارزه‌های علنی و گاهی پنهان.

« و بالاخره داشتن حیات و مرگی توأم با سعادت و افتخار که امام علی(ع) فرمودند: «آن کس که حتی در بستر خود بمیرد و در خط معرفت حق پروردگار و رسول او و نیز اهل بیت پیامبر

باشد شهید از دنیا رفته است؛ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ، وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ مَنْ رَبَّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ شَهِيداً. (خطبه ۲۳۲ نهج البلاغه، قسمت آخر).

داستان زندگی شان

بد نیست متذکر شویم داستان زندگی شان، داستانی بس دشوار، توأم با شگفتی‌ها و فهم کیفیت آن بسی دشوارتر است. نوادگان عزیز فاطمه (ع)، در طول تاریخ، برای پاسداری از اسلام و صیانت آن از عوارض و خطرات چه رنج‌هایی را متحمل شده و چه مقاومت‌هایی را از خود نشان داده‌اند.

زمامداران زمان را در دل بذر کینه و خیانت نسبت به آل علی (ع) بود، به همین جهت هم بنی امیه و هم دشمن‌شان بنی عباس ائمه‌ی ما را در انزوا و محدودیت قرار داده و گاهی هم با نقشه‌هایی خائنانه، آنان را از میان برمی‌داشتند. جنایاتش زمینه‌ساز شرمساری و سرافکندگی آنان از دید تاریخ است.

ائمه در راه خدمت‌رسانی به اسلام و مسلمین بودند. سعادت خود را در خدمت به دین و مردم می‌دانستند، حتی در زندان چراغ هدایتی برای زندانیان و افراد خارج از زندان بودند، و همه‌ی آنها حقیقت واحدی را تعقیب می‌کردند، ولی در چهره‌های گوناگون و شیوه‌های متفاوت. تاریخ حیات و تلاش‌شان خواندنی، شنیدنی و درس‌آموز است.

امام هادی از ائمه‌ی برحق بود که در تعقیب خط احداث قدم به عرصه‌ی مبارزه نهاد و تمام مدت عمرش سینه را سپر بلای اسلام قرار داده بود. در هیچ حال و موقعیتی از ارشاد و هدایت مردم غفلت نکرد، و در هیچ صورتی اجازه نداد، چراغ فروزان اسلام به خاموشی و تیرگی گراید.

آری، او نیز چون اجداد گرانقدرش در اندیشه‌ی براندازی دستگاه طاغوت بود، ولی این‌که به قیام مسلحانه نپرداخت بدان خاطر بود که شرایط فراهم نبود (مثل وضع پیامبر در مکه) موانع بسیار بودند (مثل شرایط امام مجتبی در کوفه) و در بین مردم انسجام و وحدت‌نظر و اندیشه‌ی درستی وجود نداشت. و او می‌دید که قیامش نه تنها به نفع و صلاح اسلام و امت نیست، بلکه بر اثر آن ممکن است، اسلام ریشه‌کن گردد به همین خاطر کوشید مبارزات او علنی نگردد و دشمن از آن بویی نبرد. و البته در غربت و انزوا بودن امام، قرار داشتن او در محاصره‌ی دشمن، محبوس و زندانی بودن گاه به گاه او نیز خود مانعی برای حرکت و قیام به حساب می‌آمد.

پیشینه این کار

بیان این مسأله نیز به واقع بیان درد و مصیبت دنیای اسلام است، به ویژه دنیای تشیع. ما در جامعه‌ی شیعی زندگی می‌کنیم و از نظر اعتقادی به خلافت و امامت ۱۲ تن از امامان و الگوهای منزّه اسلام ایمان داریم. از خردسالی به کودکان خود می‌آموزیم که امامان ما ۱۲ نفرند و اسم آنها را (فقط اسم آنها را) کودکان ما به ذهن می‌سپارند.

اگر این کودک روزی نوجوان و جوان شود، کتابی که معرف امام باقر(ع)، امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و... باشد نداریم که جهت آشنائی‌اش به امامان به دست او بدهیم. در روزگاری که دستگاه‌های ارتباطی و کتاب‌های درسی محصلان از زندگی هزاران فرد بی‌خاصیت!! مطالبی عرضه می‌کنند، و سینماها، زندگی فلان ژاپنی و امریکایی را به نمایش می‌گذارند، جوان ما از فاطمه(ع)، و زینب(ع) و باقر(ع) و صادق(ع) بی‌خبر است. و در نتیجه دچار هجوم‌ها و ابتلاآت فکری است. آری در مورد امام هادی(ع) کتاب‌هایی که درخور مطالعه‌ی نسل جوان، و حتی نسل بزرگسال باشد بسیار اندک و کمتر از انگشتان یک دست است و تازه برخی از آنها نیز قابل مطالعه‌اند، ولی درخور

درس‌آموزی و استفاده نیستند. این‌که در چنین وضع و صورتی سخن از خلاء روانی نسل و اسارت آنان به ره‌آورد تمدن غربی است. به جوان‌مان چه داده‌ایم که اینک از او طلبکار باشیم؟

متأسفانه افرادی چون من را نه بضاعت علمی کافی برای رفع این نقیصه است، نه وقت و فرصت مناسب، به خاطر اشتغالات زندگی، و نه سرمایه و بضاعتی مالی برای بسیج نیروها در این خط و برنامه.

به همین خاطر ما را وظیفه است که دست نیاز به سوی حوزه و دانشگاه، و محققان و مورخان دراز کنیم و از آنها بخواهیم ما مستضعفان دینی و فکری را دریابند و برای رشد و اعتلای فکری و مذهبی جوانان، و حتی بزرگسالان کاری بردارند.

شیوه کار

شیوه‌ی کار در این اثر نیز به مانند آثار گذشته زنجور صفتی است. بر روی گل‌ها و شکوفه‌های اسناد اسلامی نشسته و از شندهای آن مکیدیم. نتیجه‌ی این مکش‌ها را در درون خود پرورده ساخته و آن را به عمل آوردیم. ما در این حرکت عمل‌سازی بود، ولی نمی دانیم آنچه را که از این تلاش به عمل آمد، عمل است یا چیزی دیگر؟ و میزان گوارایی آن تا چه اندازه است؟

آری، به زبان دانشجویان، تحقق ما از نوع تحقیق کتابخانه‌ای است. با مراجعه به اسناد پراکنده در این باب، یادداشت‌هایی را فیش‌برداری و تهیه کرده‌ایم. سپس آنها را دسته‌بندی و تدوین نموده و کوشیده‌ایم با تعمق در آنها به استنباط‌ها و برداشت‌هایی برسیم و حاصل آن به صورت یک گزارش و توصیف است که آن را در این مجموعه ملاحظه می‌کنید.

البته شاید بهتر بود که آن را با تحقیقی میدانی، در جهت شناخت و معرفت افراد، به ویژه نسل جوان، و نیازهای اطلاعاتی آنان در این زمینه همراه می‌کردیم، تا نوشته‌ی ما پاسخی به سؤالات متعدد نسل جوان

می‌بود. ولی متأسفانه چنین فرصت و امکانی مرا در اختیار نبود، مخصوصاً که ما کار خود را اقدامی مقدماتی تلقی می‌کنیم.

دشواری کار

شاید مهمترین دشواری نگارنده در این عرصه، در دو عبارت زیر قابل خلاصه شده باشد:

۱- مشکل کمبود منابع و یا غیر قابل دسترس بودن آنها برای افرادی چون من که حیضی تلاش و فعالیت‌مان از خانه تا دانشگاه و برعکس خلاصه می‌شود و شرایط و امکانات اجازه نمی‌دهند که دستی گشاده به سوی کتابخانه‌های بزرگ و امانت‌خواهی از آنها را داشته باشیم که این دردی بزرگ برای اغلب نویسندگان است.

۲- مشکل آشفته‌گی، درهمی و تضاد و تعارض متون تاریخی که از یکسو ناشی از دست‌اندرکاری دشمنان اهل بیت بود و از سوی دیگر مسامحه و تساهل دوستان بی‌عقل و ظاهربین. چه بسیار از دوستان که درباره‌ی امامان تنها به مدح و ثنا پرداخته و در این امر راه غلو پیموده‌اند. و چه بسیار دیگر که به معرفی ظاهر زندگی ذکر مصائب آنها پرداخته و از سلوک و روش زندگی و خط فکری و درس‌آموزی‌های‌شان حرفی نزده‌اند.

و بالاخره ما بیم و این استاد و آن دشواری‌ها، مگر آنکه خدای مددی رساند که طالبان خدمت و دوستانان نشر مکتب اهل بیت (ع)، با چراغ هدایت خداوندی، از لابه‌لای آثار و نوشته‌ها نکاتی را بیرون کنند که چون دانه‌های تسبیحی، بر روی نخ و در سلک خطی درآیند و نظام و سازمانی پیدا کنند. البته از مشکل وقت و فرصت سخنی به میان نمی‌آوریم، که آن خود بحث مفصلی را می‌طلبد.

آرزوها و امیدها

زندگی من اگرچه در پایان خط است، ولی همراه این آرزو است که روزی شاهد نوشته‌ها، آثار ارزنده و درس‌آموزی از حضرات معصومان برای نسل‌های متفاوت، از کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال باشم و هر نسلی به تناسب درک و فهم و ظرفیت روحی خود، بتواند امام‌شناس و اهل‌بیت‌شناس باشد.

این کتاب هدیه‌ی کوچکی از من است که در حدّ توان و ظرفیت فکری و درک محدود خودم تهیه شده و محصول کار و تلاش و دست کوتاه یا بلند من به سوی نخیل اهل‌بیت(ع) به حساب می‌آید، اگرچه هر دستی به تناسب طول و قدرتش می‌تواند برای چیدن میوه‌ای و شکوفه‌ای کارآیی داشته باشد ولی در همه حال به دهان خودش آشناست و به میزان نیازش دراز می‌شود.

با همه‌ی نارسایی‌ها در این کتاب و اثر این آرزو را در دل می‌پرورانم که مطالعه‌ی آن خوانندگان را مفید افتد و آنان را بیش از پیش به خط پیشوای هدایت حضرت امام علی النقی(ع) آشنا سازد. نوشته‌ی من این ارزش و اعتبار را ندارد که موقعیت حقیقی امام هادی(ع) را تبیین کند، ولی واجد این ارزش است که مرا در کام دریای زرف امام‌شناسی و فرو بروند و بدان آرزو داشت که از اعماق آن گوهری نصیب خود سازم.

من این امید را در خود می‌پرورانم که تلاش من مورد قبول رب‌الارباب واقع شده و ذخیره‌ای برای یوم‌الحساب به حساب آید. آمین.

بهران

علی قائمی امیری

شهریور ۱۳۷۷

بخش اول - خاندان و تبار

در این بخش که دارای جنبه مقدماتی است از سه مبحث با رعایت اختصار سخن می‌گوییم:

فصلی است که تحت عنوان اجداد گرانقدرش که در آن سعی داریم به سابقه‌ی تاریخی و اجداد امام اشاره کرده و از زمان ابراهیم خلیل (ع) و فرزندش اسمعیل (ع) ذیح یاد کنیم، که رسول گرامی اسلام از آن تیره و تبار است و فرزندانش علی (ع) و فاطمه (س) را نیز انتسابی به آنهاست. تاریخ تجدید حیات بشر با اسامی آن‌ها رنگ گرفت، که اجداد امام هادی (ع) شارع و معرف آن بودند.

فصل دیگری از این بخش، در معرفی مختصر باب گرانمایه‌اش، امام جواد (ع) است، همان بابی که تنها یادگار امام رضا (ع) و از خردسالی حامل بار امامت و ولایت بود. در جریان عمر کوتاهش خدمات گرانقدری را به اسلام و تشیع کرد و در بیست و پنج سالگی به دست دشمن خانگی مسموم شد.

فصل سوم آن در معرفی مادر ارجمند اوست، سمانه مغریه که او را ام‌ولد معرفی کرده‌اند؛ زنی عارفه و پاکدامن، که تربیت شده به دست امام جواد (ع) بود و امام هادی (ع) او را در شرافت و عرفان و عبادت و تقوا می‌ستود. اصل تهجد و انجام نوافل و خود از راویان اسناد اسلامی است.

فصل ۱: اجداد گرانقدرش

مقدمه

نخست به ذکر این نکته بپردازیم که ما بحث خاندان و اجداد را بدان خاطر مطرح می‌کنیم که اصالت در ریشه‌داری امام را نشان دهیم و گرنه ما را نیز این باور است که ارزش و رتبت در گرو شخصیت و اصالت خود اوست، نه اجدادش.

جدّ اولیهی همه انسانها حضرت آدم بود که اسناد ما او را پیامبر و فرستاده خدا معرفی کرده‌اند، ولی از نسل او هم ابراهیم(ع) پیامبر و حضرت محمد(ص) و علی(ع) پدید آمدند و هم شمر و عمر سعد و یزید. و در مورد دوم، وجود جدی گرانقدر حول حضرت آدم آنان را رشد و رتبتی نداد.

امام سجاد(ع) از قول جدش رسول گرانقدر اسلام فرمود: بهشت از آن اطاعت‌کنندگان حضرت ربّ است اگر چه فردی خبیث و سیاه‌پوست باشد و دوزخ و آتش نیز از آن کفرپیشگان است، اگر چه سیدی قریشی باشد و در این راه احدی را با خداوند قرابت و خویشاوندی نیست و با خداوند از در مداخله وارد نمی‌توان شد.

از نظر ما آنجا که آدمی، خود واجد شرایط و صفات مورد عنایت پروردگار باشد حسب و نصب برای او نقطه‌ی مثبتی به حساب می‌آید و نشان می‌دهد او در سایه‌ی تلاش و فعالیت خود توانسته است، خلفی صالح برای اجداد خود باشد و پاکی و شرافت را در آن دودمان سرایت و

تداوم بخشید. و آنجا که آدمی فاسد و در خط مخالف شرع و هدایت باشد، حسب و نسب او را نفعی نبخشد، بلکه حتی عامل سرزنش و توبیخ او باشد از آن جهت که نتوانسته است، شرافت و طهارت را در دودمان خود سرایت داده و تداوم بخشد.

اجداد او

اجداد امام هادی (ع) از شجره‌ی مبارکه‌ای است که زنجیره‌ی پیشین آن تا حضرت اسمعیل ذبیح و ابراهیم خلیل ادامه دارد. تاریخ بشر تباری و اجدادی به این عظمت سراغ ندارد. نسل در نسل پیشین او همه از پیامبران و حاملان رسالت الهی بودند.

جدّ بزرگش حضرت ابراهیم، خود از مدافعان بزرگ توحید و قهرمانی بت‌شکن است. او همان‌کس است که در طریق مماشات با کافران از ماه‌پرستان و خورشیدپرستان و... با شیوه‌ای منطقی نشان داد که افول-کنندگان درخور معبودیت نیستند و توحید مردم را معطوف به آفریدگار آسمان و زمین کرده و خود را بنده حقیق و خالص خدا معرفی فرمود.^۱

و هم او بود که با منطقی غالب بت‌پرستی را محکوم نمود و نشان داد که بت را درک و شعوری برای ربوبیت نیست و سرانجام پذیرای آتش نمرودیان شد که البته خدای، آتش را بر آن سرد و سالم ساخت.^۲

آری، تاریخ اجدادش به گرانقدری اجداد امام هادی (ع) سراغ ندارد، اجدادی که همه‌ی آنها، معلم انسانیت و اخلاق و هادی بشریت بودند. همه توان و امکان خدادادی خود را وقف راه پروردگار خود کرده و حیات و ممات و رفتار خود را مخصوص خدا دانسته‌اند.^۳

۱- آیه ۱۶۱ - انعام.

۲- آیه ۷۲ - انعام.

۳- آیه ۶۹ - انبیاء.

۴- آیه ۷۹ - انعام.

شجره‌ی خاندان او

او از خاندان نبوت خاتم و وصایت سیدالاولیاء است. شاخه‌ای است از شاخه‌های نبوت اسلامی و ثمره‌ای است پر ارج، از ثمرات امامت. براساس اسناد ما، شجره و نسب او از ارحام مطهره است^۱ و از اصلاط شامخه که آلودگی جاهلیت چون شرک و بت‌پرستی و پذیرش موهومات دامن او را نیالوده است^۲.

وجودش حاصل وراثتی است برگزیده و مصفا، از اجدادی که همه‌ی آنها طاهر و مطهر بوده‌اند و خدای در قرآن رجس و پلیدی را از ساحت مقدس آن دور داشته و پاک و پاکیزه بودن‌شان را مورد تأیید قرار داده است اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۳ و همان‌گونه که می‌بینید این تطهیر در مقام حضرت و تنها درباه خاندان او (اهل بیت(ع)) مصداق دارد.

از نظر اجتماعی، حتی بدون در نظر داشتن منابع دینی و مؤیدات مذهبی نیز تاریخ او را از خاندانی معروف و گرانقدر، از اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین خاندان عرب می‌داند، نسلی که در سلسله مراتب تیره و قبیله‌ای سرآمد به حساب آمده و اجداد او از معروف‌ترین عشیره و قبیله و همه‌ی آنها در خط کمک‌رسانی به مردم و دفاع از اخلاقیات و انسانیت و شرف بودند.

تاریخ عرب هاشم بن عبد مناف، و عبدالمطلب فرزند او را، از بزرگان و از نجبای مکه ذکر می‌کند که آقایی و سروری‌شان زبانزد خاص و عام بود. و اجداد دیگرش از نسل عبدالمطلب به رسول خدا می‌رسد و بعد نیز به ائمه هدی (علیهم‌السلام).

۱- مناقب، ج ۴، ص ۴۹.

۲- زیارت نامهی او.

۳- آیه ۳۳ - احزاب.

در تاریخ اسلام

اینان موجد تاریخ جدید به نام تاریخ اسلام با همه‌ی وسعت و دامنه‌اش بودند. جد گرانقدر او حضرت محمد(ص) است که با ظهور و بروز او، و با دعوت و نیز تعالیمش، تاریخ جدیدی در جهان بشریت پایه‌گذاری شد، که همه‌ی تاریخ‌های گذشته را تحت‌الشعاع قرار داد و همه‌ی اذهان جویندگان را متوجه خود ساخت.

در پس او و آثارش، دو اثر جاودانی از او باقی ماند که آن دو خود، دو شعبه از تاریخ را بی‌نیاهدند؛ آن دو شامل قرآن بود و عترت. عترت تعبیر دومی از تداوم اهل‌بیت و سرایت خط و اثر آنهاست که سمبل راستین آن، ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام‌اند و این سخنی است که صدق آن مورد تأیید همه عالم‌ان در همه فرق اسلامی است (از شیعه و سنی).

مطالعه در تاریخ اسلام نشان می‌دهد، چه حوادث و وقایعی مهم و چه رخدادهایی عظیم در حیات اسلام پدید آمده و اولیای آن به چه صورت و تا چه حدی از آن پاسداری کرده‌اند. صدمه‌آفرینی‌های داخلی و خارج برای اسلام اندک نبودند، و به حق می‌توان ادعا کرد که این آزار و صدمه‌رسانی در هیچ امت و جامعه‌ای سابقه نداشت و رسول گرامی اسلام به حق می‌فرمود: «هیچ پیامبری به اندازه‌ی من مورد آزار قرار نگرفت» «مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ بِمِثْلِ مَا أُوذِيَ»^۱ و این آزارها و صدمات متوجه‌ی خاندان و پیروان او نیز شده است.

غرض این است، امام هادی(ع) از تبار و دودمانی است که از صدر تا ذیلشان همه در راه حفظ و پاسداری از ارزش‌های الهی عمر و زندگی را مصروف داشته و همه همت و توان خود را عرضه و فدا کرده‌اند، آیه شریفه طه، «مَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفَى»^۲ گواهی بر این مدعاست و در آن خدمت‌رسانی پیامبر و رنج‌های متحمّله‌ی او را درمی‌یابیم.

۱- حیات محمد(ص).

۲- سوره طه.

از نسل امیرالمؤمنین (ع)

او از نسل امام امیرالمؤمنین (ع) سید اوصیاء است، که براساس اسنادی معتبر، خلیفه‌ی بلافضل رسول خدا (ص) و داماد و وصی و وزیر و برادرزاده خوانده‌ی او است. علی (ع) امام بود، ولی خدا، اسدالله بود و سیف‌الله. ضربه‌ی شمشیرش در جنگ خندق سرنوشت اسلام و کفر را رقم کرد و آن ضربه معادل عبادت ثقلین به حساب آمد. «ضربه علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین»^۱.

پس از امام علی (ع)، پیشوای دهم ما هشت امام بر حق را پشت سر گذاشت که در میان همه‌ی آنان جز تجسم پاکی و اخلاق و شرافت به چشم نمی‌خورد. همگان از گلهای خوشبوی اسلام بودند که فضای حیات اسلامی را زیبا و معطر کرده بودند.

از کدامیکشان سخن بگیریم که هر کدامشان عطری ویژه را در فضای اسلام پراکندند و از سر عاطفه و مهر خود، خلق خدای را به راه حق کشاندند. اینان سمبل اخلاق و ادب الهی بودند و از مکتب نبوت و امامت درس‌ها آموختند و آموزش دادند و مکارم اخلاق، شرافت و نجابت الهی در همه آنها جمع بود، و همه آنان سمبل ارزش‌های راستین اسلامی بودند.

امام هادی (ع) با رسالت الهی خود قدم به عرصه‌ی امامت نهاد و با تعقیب همان خط و راه امامان پیشین زندگی خود را سامان بخشید. او دین خدا را امانتدار بود و شریعت الهی را پاسدار. در طرق این پاسداری همه‌ی همت و توان خود را به کار گرفت و سرانجام نیز جان خود را در این راه، بذل و قربانی کرد.